



کاربرد

راه و رسم یک خرید امن اینترنتی

مرجان دهقان | روزنامه نگار



خرید برای بعضی ها فقط در زیرورو کردن مجتمع های تجاری جورواجور خلاصه می شود. همان موقع که این افراد بین رگال ها و قفسه های یک پاساژ دنبال مایحتاج شان می گردند، عده ای گوشه مبل لم داده اند و ضمن شکستن تخمه، از فروشگاه های اینترنتی خرید می کنند. فرقی نمی کند ترجیح شما کدام نوع از خرید باشد. گذر همه مان گاهی به سایت های فروش آنلاین می افتد. به خصوص این روز ها که بهتر است تا جای ممکن خرید های مان را اینترنتی انجام بدهیم. فروشگاه های اینترنتی معتبر مانند مغازه های کوچه و بازار، نام و نشان مشخصی دارند. در دنیای مجازی، «نماد اعتماد الکترونیکی» همان مجوز کسب است. این نماد معمولاً پایین صفحه سایت آورده می شود. اگر آن را در سایت مدنظر تان پیدا نکردید، به آدرس enamad.ir بروید و از اصالت آن سایت مطمئن شوید. مرکز توسعه تجارت الکترونیکی این سایت را برای اعتماد و اطمینان کاربران خدمات الکترونیکی و سامان دهی کسب و کار های اینترنتی راه انداخته است. حواس تان باشد که خام بازار گرمی های فریبنده مانند قیمت ارزان نشوید. حتماً پیشینه سایت را بررسی کنید تا خیال تان راحت باشد که با فروشنده های واقعی طرف هستید. قبل از خرید، مرور گرتان را به روز کنید. حفره های امنیتی مرور گر های قدیمی به شما اجازه نمی دهد تا از سلامت اطلاعات یک سایت مطمئن شوید. هنگام پرداخت وجه، به آدرس درگاه بانکی توجه کنید. در ابتدای آدرس باید عبارت «HTTPS» وجود داشته باشد. برای وارد کردن اطلاعات کارت بانکی، از صفحه کلید مجازی سایت استفاده کنید. بعد از پرداخت وجه، بدنیست نگاهی به حساب بانکی تان بیندازید. این کار برای اطمینان از تکمیل فرایند خرید و مبلغ پرداختی است. قبل از تحویل کالای خریداری شده هم حتماً از سلامت آن مطمئن شوید.

پرونده های مجهول

پروژه محرمانه هیتلر در قطب جنوب چه بود؟

مروری بر ادعاهای معروف درباره اسرار قطب جنوب و فعالیت های فرازمینی نازی ها در این منطقه

فاطمه قاسمی | روزنامه نگار

قطب جنوب، از جمله نقاط روی زمین است که رازهای کشف نشده زیادی دارد. مثلاً ادعای ششود زیر یخ و برف های پش، تمدن باستانی اسرار آمیزی مدفون شده است. به همین دلیل در طول تاریخ برخی باستان شناسان، دانشمندان و نظامیان از کشور های مختلف در قالب پروژه های علمی به این منطقه سفر کرده و با کند و کاو در لایه های زیرین یخی به دنبال شواهدی از این تمدن بوده اند. به نظر می رسد این قاره به دلیل شرایط سخت آب و هوایی و مسافت زیادش تا قاره های دیگر می تواند محل مناسبی برای پنهان سازی برنامه های مخفی دولت ها باشد. در پرونده مجهول این هفته درباره برنامه های محرمانه احتمالی نازی ها در این منطقه و شایعات در خصوص آن می خوانیم.

افشاگری درباره قطب جنوب پیش از یخ زدگی

کشف نقشه «پیری رئیس» در سال ۱۹۲۹ یکی از ماجراهای جنجالی و سوال برانگیز درباره این قاره بود. این نقشه را فردی هزاران سال قبل از یخ زدگی قطب جنوب، با دقت و به صورت قاره ای پوشیده از گیاه، جنگل ها و رودخانه های روان غیر یخی به تصویر کشیده است. بر اساس جزئیات نقشه به نظر می رسد قطب جنوب خیلی پیشتر از عصر مدرن یعنی تا ۳ هزار سال قبل تر کشف شده است و پیش از یخ زدن، تمدن هایی پیشرفته در زمین سکونت داشته اند که به دلایلی نامشخص، بی هیچ ردی از روی زمین محو شده و جای خود را به نسل های بعدی داده اند. «اورونس فینه»، نقشه دیگری است که ۶ هزار سال قبل، قطب جنوب را بدون یخ ترسیم کرده و توانسته است محل دقیق رودخانه های این قاره را هم به درستی نشان دهد. تحقیقات دانشمندان امروزی درباره رودخانه های قطب جنوب با این نقشه مطابقت دارند. آیا این نشانه ای از همان تمدن باستانی در قطب جنوب است که نازی های آلمان را علاقه مند کرده است بر نامه های محرمانه ای در این منطقه داشته باشند؟ هیتلر از افراد علاقه مند و کنجکاو به تمدن باستانی احتمالی قطب جنوب، تئوری های فرازمینی و شهر های افسانه ای بوده و اعتقاد داشته که این منطقه در واقع همان تمدن گم شده آتلانتیس است. همچنین باور داشته است در اعماق این قاره یخی، گنجینه هایی باستانی وجود دارد که با دست یابی به آن ها، قدرت تسلط بر جهان را

بالتازار

چرا بدن مان در تماس با بعضی وسایل و لباس ها جرقه می زند؟

مریم ملی | روزنامه نگار

حتما برای تان زیاد اتفاق افتاده است که خواسته اید به وسیله ای دست بزنید یا چیزی را از دست کسی بگیرید اما ناگهان احساس کرد هاید دست تان جرقه زده است و شوکه شده اید. به نظر شما علتش چیست؟ چرا بدون این که کار خاصی کرده باشید، بدن تان الکتریسیته تولید می کند؟ اصلا این الکترسیته از کجا می آید؟ جالب است بدانید این اتفاق بیشتر در فصل های سرد می افتد.

دیدنی

چیزهایی که نمی دونی!

پرنده لوگوی توییتر، اسم دار د؛ «لری» که در واقع اسم یک بسکتبالبست است.



بعضی چراغ های راهنمایی در ژاپن از رنگ آبی به جای سبز استفاده می کنند چون در زمان قدیم، یک واژه برای هر دو این رنگ ها به کار می رفته است.



منبع: brightside.me

کاف

بزرگ ترین سوتی که تو مهمونی دادی؟

خودم: یه بار گوشیم رنگ خورد. دستم رو بردم تو کیفم، هرچی گشتم پیدا نشد. آخرش گفتم تنگه گوشی رو تو خونه جا گذاشتم.

خودت بساز

آینه دلبر بساز

مهسا فارسی | روزنامه نگار

اگر آینه سالمی دارید که قاب در ست و حساسی ندارد یا به هر دلیل دیگری دوستش ندارید، با یک ترفند ساده می توانید آن را باز یافت کنید. کافی است به اشیای دور ریختنی تان با دقت بیشتری نگاه کنید.

گل مصنوعی

اگر گل و برگ مصنوعی دارید، می توانید آن ها را با چسب حرارتی به دقت و با سلیقه به دور قاب آینه تان بچسبانید. حتی می توانید مقوای رنگی یا پارچه نمدی تهیه کنید و خودتان با الگویی بسیار ساده گل های رنگارنگ بسازید. همان طور که در تصویر می بینید، شانه تخم مرغ هم در کمال شگفتی می تواند به کار بیاید و تبدیل به گل شود؛ کافی است آن را با اسپری رنگ جلوه بدهید تا زیبا شود.

سی دی های به در دنجور

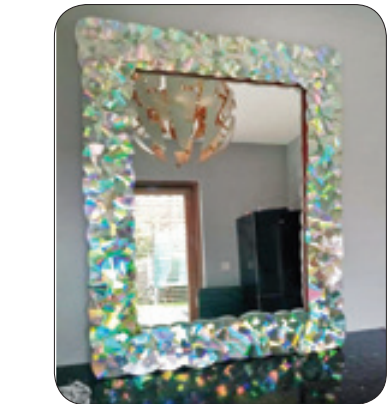
سی دی ها زمانی برای خودشان کسی بودند و در گذر زمان به سر نوشتی شبیه نوار های کاست دچار شدند. با تعدادی از آن ها می توانید قاب آینه یا عکس را تزئین کنید. ابتدا سی دی ها را به شکل تکه های کوچک و نامنظم در آورید. قابلمه ای را از آب پر کنید و بگذارید بجوشد. سپس از روی شعله بردارید و سی دی ها را به مدت ۱۰ دقیقه درون آب بگذارید. حالا می توانید به راحتی آن ها را با قیچی برش بزنید و تکه ها را به دور قاب بچسبانید.

قاشق های یک بار مصرف

یک تکه مقوا بردارید و آن را به شکل رینگ بزرگی برش بزنید؛ طوری که اندازه اش متناسب با سایز آینه باشد. حالا قاشق ها را با الگویی منظم دور تا دور روی مقوا با چسب حرارتی بچسبانید و در چند ردیف

تکرار کنید. چسباندن که تمام شد، مجموعه مقوا و قاشق ها را با اسپری رنگ آمیزی کنید. در آخر مقوا را با چسب، محکم به آینه متصل و روی دیوار نصب کنید.

✓ روش های زیاد دیگری برای تزئین قاب ها وجود دارد؛ مثل به کار بردن خرده های چوب، نخ کاموا، دکمه های کنار گذاشته شده، صدف و مرجان و خیلی موارد دیگر که خوشحال می شویم اگر به ذهن تان رسیده یا قبال امتحان کرده اید، هنر تان را با ما در میان بگذارید.



آثار شما

ایثار

فهیمة فراهادی | ۱۴ ساله از بشرویه

به چشمان اشکبارش خیره شدم. آرام می سوخت و هر لحظه کوچک تر می شد. در آن ظلمات، او تنها روشنی بخش اطراف مان بود. تنها او بود که در میان انبوهی از شمع های اطرافش هنوز می سوخت. گریه می کرد و لحظات سختی را در فراق دوستان و عزیزانش می گذراند. نمی توانستم کوچک و تمام شدن اش را ببینم در حالی که غم تمام وجودش را پر کرده بود. تمام شدن، با اندوهگین تمام شدن بسیار متفاوت است. بال هایم را گشودم و رقص کنان دورش پرواز کردم. با تمام توانم سعی می کردم زیبایی بال هایم را به نمایش بگذارم. لبخند می زدم و بال هایم را باز و بسته می کردم. آن قدر به این کار ادامه دادم تا بالاخره چشمانش را باز کرد. برای چند ثانیه بارش اشک های شفافش قطع شد. در آن زمان، تنها خواسته ام این بود که هر طور شده توجه اش را جلب کنم و او را در چند دقیقه آخری که می سوزد، شاد نگه دارم. چشمانم را بستم، نفس عمیقی کشیدم، چرخ می زدم، ایستادم و چشمانم را باز کردم. لبخند بر لبانش، لبخند را به لبانم باز گرداند. چه زیبا می خندید و در او چ هیجان شاد بود. دقیقه ها برایش چرخ زدم، رقصیدم و پرواز کردم. شمع هر لحظه شادتر و در عین حال کوچک تر می شد. آری، من موفق شدم. موفق شدم در واپسین لحظه های زندگی اش، لبخند را به لبانش هدیه دهم. بعد از آن که از پرواز خسته شدم، ایستادم. نگاهش کردم. در همان زمان بود که تاریکی مرا و هر آن چه آن جا بود، در خود فرو برد.